

عوامل و ریشه‌های تنبیه بدنی کودکان در محیط خانه و خانواده و راهکارهای مقابله با آن

ندا نیکنامی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل

سید رضا میرمهدی

استادیار، عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور، گروه علمی روانشناسی

بنت‌الهدی نیکنامی

کارشناسی ارشد حقوق خصوصی

چکیده

تنبیه بدنی یکی از روش‌های تربیت و تادیب کودکان است که در طول قرون متمادی توسط والدین و سرپرستان کودکان بکار رفته و هنوز هم کودکانی وجود دارند که ترس و تجربه خشونت را داشته باشند. پژوهش‌ها حاکی از آن است که تنبیه بدنی عامل مهمی در گسترش اقدامات و نگرش‌های خشونت‌آمیز بوده و در دوران کودکی و زندگی فرد تاثیر مخربی می‌گذارد و در نتیجه مانع رشد مثبت کودک و ایجاد هنجارهای صحیح نظم و انضباط می‌گردد. مضافاً اینکه ضرب و شتم کودکان به عنوان یک عامل خطرناک می‌تواند موجب آسیب‌های جسمی و روانی و حتی موجب مرگ کودکان شود و بدین گونه موجبات نقض حقوق اساسی کودک از قبیل کرامت و حیثیت ذاتی را فراهم می‌آورد. با وجود این تنبیه بدنی در بسیاری از کشورهای جهان یک عمل متداول و قانونی بوده و حتی گاهی برای توجیه آن از وجهه اعتبار مذهبی استفاده می‌گردد. لذا باید برای حل این نگرانی و معضل جهانی ابتدا عوامل و ریشه‌های آن را شناسایی و سپس اقداماتی را جهت حذف تمامی اشکال آن به انجام رساند. در این نوشتار سعی بر آن است که ضمن بیان عوامل و عوارض تنبیه بدنی بر کودکان، راهکارهایی جهت مقابله با تنبیه بدنی بیان گردد.

واژگان کلیدی: تنبیه؛ تنبیه بدنی؛ آموزه‌های دینی؛ اصلاحات.

مقدمه

کودکان امانت‌های پروردگار تعالی هستند که در اختیار والدین گذاشته شده‌اند، لذا بر پدران و مادران لازم است که کودک خود را با کردار ناپسند عادت نداده و در پرورش جسمی، اخلاقی، روحی و معنوی آنها تلاش جدی داشته باشند. کودک با رفتار پسندیده و تربیت صحیح اولیا و

مربیان می‌تواند انسانی با فضیلت شود و در غیر اینصورت فردی نامطمئن و فاسد بار می‌آید. با توجه به آنکه سعادت و شقاوت هر کس به کیفیت پرورش و تربیت او در کودکی بستگی دارد با محبت و حسن رفتار، می‌توان افرادی خیراندیش، شریف و فعال به جامعه بشریت تحویل داد. بنابراین نحوه تأدیب کودک بسیار مهم بوده و تنبیه بدنی وی می‌تواند صدمات جبران ناپذیری بر خرد کودک و جامعه وارد آورد. لذا ضروری است که تنبیه بدنی به عنوان یکی از روش‌های معمول تأدیب کودکان مورد بررسی قرار گرفته و عوامل و ریشه‌های آن شناخته شود. بدین منظور در این نوشتار ابتدا مفهوم تنبیه بدنی را تبیین نموده، به بررسی عوامل تنبیه در خانواده می‌پردازیم و از آنجا که باورهای نادرست دینی نقش مهمی در استفاده و رواج تنبیه بدنی داشته‌اند، تمرکز اصلی بحث بر این عامل می‌باشد. سپس عوارض مخرب تنبیه بدنی را مطرح و در نهایت راهکارهایی برای مقابله با این پدیده ضد اجتماعی ارائه می‌گردد.

گفتار اول: مفهوم تنبیه بدنی

برای آشنایی با مفهوم تنبیه بدنی آنچه ضروری به نظر می‌رسد آشنایی با مفهوم تنبیه است لذا ابتدائاً این کلمه را به لحاظ لغت و اصطلاح بررسی نموده و سپس به تبیین مفهوم تنبیه بدنی مبادرت می‌گردد. تنبیه^۱ در لغت، مصدر متعدی است از واژگان عربی به معنای بیدار کردن و هوشیار ساختن (معین، بی‌تا: ۱ / ماده تنبیه). همچنین برای تنبیه در فرهنگ‌های لغت معانی گوناگونی از قبیل آگاه نمودن، بیدار کردن، واقف کردن، تأدیب و کیفر، جزا و مجازات ذکر گردیده است (بدرطالعی، ۱۳۷۹: ۵۷). در اصطلاح تربیت و به ویژه از دید روان‌شناسان تعاریف مختلفی برای تنبیه ارائه گردیده که از نظر محتوا، قرین همدیگرند. به عنوان نمونه یکی از این تعاریف بیان می‌دارد که تنبیه: ارائه یک محرک آزار دهنده از سوی تنبیه کننده برای کاهش و یا قطع انجام رفتاری نامطلوب می‌باشد (آگاروال^۲، ۲۰۰۷: ۲). در واقع طبق این تعریف می‌توان تنبیه را به دو نوع مادی و روانی تقسیم نمود. هر چند گفته شده تنبیه مادی هم خود به دو قسم است که یکی شامل نادیده گرفتن خواسته‌های کودک است و دیگری تنبیه بدنی می‌باشد (افشاری، ۱۳۸۵: ۴). پس از بیان مفهوم تنبیه، می‌توان تنبیه بدنی را مورد بررسی قرار داد. مراد از تنبیه بدنی^۳ یا فیزیکی هر گونه مجازاتی است که با زور فیزیکی همراه می‌باشد و میزانی از درد و رنج را به همراه می‌آورد (نیلسون^۴، ۲۰۰۳: ۲). در واقع می‌توان تنبیه بدنی را از منظر تربیتی اینگونه تعریف نمود که تنبیه

عوامل و ریشه‌های تنبیه بدنی کودکان در محیط خانه و خانواده و راهکارهای مقابله با آن ۷۵

بدنی استفاده از قدرت جسمی به قصد ایجاد درد در بدن کودک به منظور اصلاح رفتار نامطلوب وی یا مهار آن می‌باشد (عباچی، ۱۳۸۵: ۵). از منظر دیگر تنبیه بدنی هر اقدامی است که به عنوان مجازات نسبت به کودک اعمال می‌شود اما چنانچه نسبت به یک بزرگسال انجام شود یک حمله و تجاوز غیرقانونی محسوب می‌گردد (شورای اروپا، ۲۰۰۷: ۷).

گفتار دوم: عوامل و ریشه‌های تنبیه بدنی کودک در خانواده

تنبیه بدنی در تمام جوامع رخ داده است. مجموعه عواملی مانند قوانین مدرن و بومی، آداب و رسوم، باورهای فرهنگی و مذهبی و اوضاع اقتصادی و اجتماعی نقش عمده‌ای در استفاده و رواج تنبیه بدنی داشته‌اند، که مهمترین آنها را بررسی می‌گردد.

بند اول: فرهنگ

خانواده‌ها در یک چارچوب و زمینه اجتماعی و فرهنگی قرار دارند که بر روی الگوهای رفتاری خانوادگی و ارزش‌ها و مهارت‌هایی که به فرزندان خود از طریق اجتماعی شدن منتقل می‌کنند تأثیر می‌گذارد. ایدئولوژی‌های کودک، خانواده و پدرسالاری از عوامل زمینه‌ساز در تعیین روشی است که بزرگسالان بدان طریق در جامعه روابط شان نسبت به کودکان را تنظیم می‌کنند و این منجر می‌گردد که روابط بین کودکان و بزرگسالان بر پایه ی قدرت شکل گیرد و در نتیجه امکان خشونت بر کودکان توسط والدین را ممکن می‌سازد (داوس^۵، ۲۰۰۵: ۴). در واقع نهادینه بودن خشونت در خانواده‌ها و باز تولید این فرهنگ در نسل‌های بعدی موجبات رواج استفاده از تنبیه جسمانی کودک را تحت عنوان تربیت کودک فراهم آورده و از آنجا که تأیید عرفی و قانونی را نیز به دنبال داشته، تبدیل به یک هنجار اجتماعی و فرهنگی مورد پذیرش همگان گردیده است.

بند دوم: وضعیت اجتماعی - اقتصادی پایین

وضعیت اجتماعی - اقتصادی عامل پیشگویی کننده و قابل توجهی برای استفاده والدین از تنبیه بدنی کودکان است. در واقع در سطوح پایین اجتماعی - اقتصادی خانواده‌ها تمایل بیشتری به استفاده از تنبیه بدنی نسبت به طبقه متوسط دارند. هرچند همیشه میزان درآمد به تنهایی مؤثر نیست، اما به هر حال می‌توان گفت شهرنشینی همراه با فقر و از دست دادن الگوهای فرهنگی ارتباط و نظارت، با افزایش بدرفتاری نسبت به کودکان همراه است (داوس، ۲۰۰۵: ۸) و کودکان فقیر بیشتر در معرض ناملایم‌ترین و خشن‌ترین تنبیهات فیزیکی قرار می‌گیرند (کلاچتی^۶، ۲۰۰۵: ۱۰).

بند سوم: ضعف قوانین حمایتی

کودکان به دلیل این که توانایی مقابله با صدمات مهاجم را ندارند آماج مناسبی برای ارتکاب ضرب و جرح و آزار جسمانی هستند. به همین دلیل قوانین می‌توانند نقش کلیدی و مهمی را در حمایت از آنان بازی کنند. اما متأسفانه در طول قرون اکثر قوانین نتوانستند از عهده این وظیفه به خوبی برآیند و حتی گاهی موجبات تنبیه اطفال را هم فراهم آورده‌اند. برای نمونه می‌توان به قوانین موجود در کامن‌لا سنتی اشاره نمود. در کامن‌لا سنتی به والدین و سایر بزرگسالان حق استفاده از تنبیه بدنی تحت عنوان «مجازات معقول» یا «اصلاح قانونی» علیه کودک داده می‌شد. این قانون در طول قرن نوزدهم از طریق استعمار، اشغال نظامی و تدریس برخی میسیونرهای مسیحی در سراسر جهان گسترش یافت و برای قرن‌ها تنبیه بدنی با چهره اعتبار دینی و قانونی در مدارس مذهبی، نهادها و خانواده‌ها اجرا شد (داد، ۲۰۱۱: ۳). هنوز هم تنبیه بدنی در زندگی خانوادگی اکثر دولت‌های جهان یک وضعیت مشترک حقوقی دارد (نیلسون، ۲۰۰۳: ۱). حال آنکه این قوانین یکی از بنیادین‌ترین حقوق بشری کودک یعنی تساوی آنها با سایرین در حمایت‌های قانونی را نقض می‌کند و کودکان را به عنوان آسیب پذیرترین اعضا در جامعه، در سطوح پایین حمایت و عدالت قرار می‌دهد و منجر می‌گردد که تجاوزات والدین به آنها پذیرش حقوقی و اجتماعی پیدا نماید (داد، ۲۰۱۱: ۴). بنابراین در دنیای کنونی ضرورت اصلاح قوانین در جهت حمایت از کودکان به اثبات رسیده و کشورها از مقررات و اسناد متعددی در نظام بین‌المللی حقوق بشر برای رسیدن به این هدف استفاده نموده‌اند. نمونه‌ای از این اسناد عبارتند از: میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، کنوانسیون آفریقایی حقوق بشر، کنوانسیون منع شکنجه و رفتارهای غیرانسانی و کنوانسیون حقوق کودک که در جهت حفظ و حمایت از کرامت انسانی یا ممنوعیت رفتارهای غیر انسانی و حفظ تمامیت جسمانی کودک تدوین شده است (چنارانی، ۱۳۹۰: ۱). اما علی‌رغم وجود این اسناد بین‌المللی و اصطلاحات ایجاد شده در قوانین بسیاری از کشورها، در ایران همچنان ما شاهد ضعف قوانین حمایتی از اطفال هستیم. هر چند قانون‌گذار در جهت حمایت از اطفال در مواد ۲۰۶ و ۲۷ قانون مجازات اسلامی، سیاست افتراقی مناسبی اتخاذ کرده ولی با وضع ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی راه را برای تعرض به اطفال باز گذاشته است. طبق ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی حق تأدیب اطفال تنها به والدین محدود شده ولی بنا بر بند ۱ ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی علاوه بر والدین، اولیای قانونی و

سرپرستان اطفال نیز حق تأدیب اطفال را دارند. هر چند این ماده دو معیار درونی قصد تأدیب و معیار بیرونی در حد متعارف بودن را برای تشخیص متعارف بودن تأدیب اطفال قرار داده ولی موجب سوء استفاده بسیاری از والدین و سرپرستان و بزه دیدگی اطفال به بهانه تأدیب شده است. با تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان امید جامعه حقوقی در جهت مقابله با کودک آزاری به ویژه از طرف والدین که از معافیت ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی استفاده می‌کردند افزایش یافت. اما با اصطلاحات مکرر مجلس جهت تامین نظر شورای نگهبان، والدین از شمول جرم کودک آزاری خارج شدند. ماده ۷ این قانون مقرر می‌دارد: «اقدامات تربیتی در چهارچوب ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۹/۷ و ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴/۱/۱۹ از شمول این قانون مستثنا است.» این در حالی است که ما در ایران شاهد افزایش رقم کودک آزاری هستیم که اغلب هم توسط والدین با استناد به عذر تنبیه صورت می‌گیرد (حیب زاده و مقدسی روئین، ۱۳۸۵: ۶۶ و ۶۵).

بند چهارم: باورها و تفاسیر سنتی از متون دینی

ادیان متون متفاوتی پیرامون تنبیه بدنی کودکان دارند. برای قرن‌ها آموزه‌های دینی توسط گروه‌های مذهبی به گونه‌ای تفسیر می‌شد که جواز استفاده والدین از تنبیه بدنی را صادر می‌نمود و تنبیه بدنی در محیط فرهنگی با این باورهای مذهبی در عمل تقویت می‌گردید. اما به مرور زمان در مقابل دیدگاه سنتی، دیدگاهی معاصر به عنوان نواندیشان دینی مطرح گردید که تفاسیر متفاوتی از متون مقدس ارائه نمودند که نه تنها استفاده از تنبیه بدنی را مذموم دانسته، بلکه همصدا با ارزش‌های جهان جدید، در جهت ممنوعیت تمامی اشکال آن گام‌های مثبتی برداشتند. مضافاً آنکه دو اقدام بین‌المللی هم توسط این جامعه مذهبی برای پایان دادن به تنبیه بدنی علیه کودکان انجام شده که شامل تعهد مذاهب برای مقابله با خشونت علیه کودکان (بیانیه هشتمین مجمع جهانی مذاهب برای صلح در کیوتو)^۸ و منشور کاونتری^۹ می‌باشد. این دو صدایی از متون مقدس در عصر جدید از سوی ادیان مختلف از قبیل اسلام و مسیحیت شنیده می‌شود. بدین جهت به این متون و دیدگاهها از دو منظر دین مسیحیت و دین اسلام پرداخته می‌شود.

الف) از منظر دین مسیحیت

در دین مسیحیت در رابطه با استفاده از تنبیه بدنی نسبت به کودکان دو دیدگاه وجود دارد:

۱- دیدگاه سنتی: طبق این دیدگاه تنبیه بدنی کودکان جایز شمرده شده است و برای توجیه این جواز از نص متون دینی و تفسیر کهن متون دینی بهره برده‌اند. برای مثال برخی از گروه‌های مسیحی در مفهوم «گناه اصلی» بر این باور بودند که همه کودکان ذاتاً بد به دنیا می‌آیند و از این رو وظیفه والدین برای کنترل رفتار کودک از طریق مجازات فیزیکی محقق می‌شود. دارندگان این دیدگاه به کتاب مقدس فراتر از یک نقد نگرینسته و انتقاد بر آن را مجاز نمی‌دانستند و متون موجود در آن را به عنوان دستورات الهی برای مجازات جسمی کودک در نظر می‌گرفتند (داد، ۲۰۱۱: ۱).

۲- دیدگاه معاصر: به مرور زمان بر اثر تحولات عصر جدید و ایجاد نگرش‌های متفاوت به انسان و بویژه کودکان دیدگاه متفاوتی نسبت به متون کتاب مقدس مطرح گردید که استفاده از تنبیه بدنی را ممنوع می‌دانست. دارندگان این دیدگاه برای اثبات نظر خویش به سراغ متون دینی رفته و شواهدی از آن را بیان می‌کنند. برای نمونه آنکه در مسیحیت همه برخوردهای ثبت شده میان کودکان و مسیح، مهربان، آرام و احترام‌آمیز بوده‌اند. به گونه‌ای که مسیح گفته است: «هر کس یک کودک دریافت کند، یک عیسی مسیح دریافت کرده و هر کس باعث رنج کودک و لغزش او به سمت گناه شود، برای او بهتر خواهد بود که یک سنگ آسیاب سنگین بر گردنش بیندازند و او را در عمق دریا غرق کنند.»^{۱۰} علاوه بر این استدلال نموده‌اند که هیچ توجیهی را برای تنبیه بدنی در کتاب مقدس نمی‌توان یافت و مسیحیان باید عیسی مسیح را الگوی نخستین و اصلی خود قرار دهند و قرائت از کتاب مقدس باید همیشه از لنز آموزش و زندگی مسیح انجام شود.^{۱۱} با مطرح شدن این دیدگاه امروزه دیده می‌شود که اکثریت گروه‌های مسیحی دیگر تفسیرهای کهن از کتاب مقدس را کنار گذاشته‌اند و بر آن شده‌اند که تمامی اشکال تنبیه بدنی کودکان را ممنوع اعلام کنند.

ب) از منظر دین اسلام

در دین مبین اسلام چهار منبع قرآن، سنت، عقل و اجماع برای فهم احکام وجود دارد، لذا جهت یافتن جواز یا عدم جواز تنبیه بدنی کودکان، فقها و متفکران اسلامی باید به بدان‌ها رجوع کنند. اما در این میان، برداشت‌ها و نظرات متفاوتی نسبت به استخراج این حکم ایجاد شده است، که بدانها پرداخته می‌گردد:

۱- دیدگاه سنتی

در دیدگاه سنتی برای فهم احکام الهی بیشتر به نصوص متون مقدس توجه می‌شود و تکیه بر

روی مباحثی است که در متن اصلی آمده است. زیرا در این دیدگاه عقل در صورتی از منابع استنباط است که قطعی و یقینی باشد و در واقع با قیدی که به آن زده می‌شود، آنرا به یک منبع بالقوه تبدیل می‌کنند و احکام عقلی را، ظنی می‌دانند که همیشه نمی‌توان حکم شرعی را از آن یافت (کدیور، ۱۳۸۸: ۴۰). و برای آنکه اجماع را هم منبع استنباط احکام شرعی بدانند، شرطی به آن اضافه می‌کنند که باید به نظر امام معصوم برسد. بنابر این تکیه اصلی آنها بر نص قرآن و روایات می‌باشد و از آنجا که برای برداشت آیات قرآن هم از روایات استفاده می‌کنند، در واقع بیشتر بر روی روایات متمرکز می‌گردند و در عمل متن روایات را به عنوان منبع عمده پیش روی خود قرار می‌دهند. در این دیدگاه در رابطه با تنبیه بدنی نیز علمای اسلامی سنت گرا بیشتر به بررسی روایات موجود پرداخته و طبق آنها نتیجه گیری نموده‌اند.

در زمینه تنبیه سه دسته روایت از ائمه معصومین نقل شده است:

دسته اول روایاتی است که اجازه تنبیه کودک را به حاکم شرع می‌دهد تا در برابر گناهانی که کودک انجام می‌دهد مانند سرقت، زنا و لواط او را تنبیه و تعزیر کند و این با معنای «تنبیه» اصطلاحی تفاوت دارد (حسنی، ۱۳۷۹: ۵۲). لذا از بررسی این روایات که با بحث حاضر بیگانه است صرف نظر می‌گردد.

دسته دوم روایاتی‌اند که تنبیه کودک را در جهت تربیت و تأدیب او برای والدین جایز می‌شمارند. دسته سوم روایاتی هستند که تنبیه کودک را بر ترک نماز جایز می‌شمارند. به چند نمونه از این دو دسته روایات که مبنای نظر فقها را تشکیل می‌دهند، اشاره می‌شود:

۱- حمادبن عثمان می‌گوید از امام صادق (ع) دربارهٔ ادب کودک و عبد پرسیدم. امام فرمودند: پنج تا شش ضرب و تا می‌توانی مدارا کن (عاملی، ۱۴۱۴: ۵۸۱).

۲- از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که ادب کودک در سه ضربه است و افزون بر آن روز قیامت قصاص می‌شود (عبدالغنی، ۱۴۱۶: ۱۱۶).

۳- حضرت رسول اکرم (ص) فرمودند: نماز را در هفت سالگی به کودک یاد دهید و در ده سالگی او را بر ترک نماز تنبیه کنید (متقی هندی، ۱۴۰۵: ۴۴۰).

به دلیل وجود چنین روایاتی فقهای شیعه و حتی علمای عامه به اتفاق و اجماع تنبیه و تأدیب کودک را در موارد مخصوص و به عنوان آخرین راه حل و روش درمان و به عنوان یک روش ثانوی در اصلاح رفتار پذیرفته‌اند. در واقع فقهای اسلامی دارای دیدگاه سنتی نسبت به متون

مقدس هستند و طبق نصوص روایات، اصل تنبیه بدنی کودکان را به همراه شرایط کیفی و کمی آن جایز شمرده‌اند (حسنی، ۱۳۷۹: ۵۶).

۲- دیدگاه معاصر

در کنار دیدگاه سنتی، در قرون معاصر نظریاتی مطرح شده که در عین توجه به متون دینی با ارزش‌های جهانی خود را همصدا می‌نمایند. دیدگاه معاصر، دیدگاه نواندیشان دینی است که با توجه به شرایط جهان کنونی مطرح شده و تأثیرات بسزایی را بر روی نحوه برداشت از متون اسلامی داشته است. اینها معتقدند، ضرب و شتم کودکان و ایجاد درد و رنج در آنها با ارزش‌هایی که بیشتر آموزه‌های دینی بیان می‌کنند، ناسازگار است. این ارزشها که بسیار شبیه اصول حقوق بشرند، شامل احترام به کرامت انسانی، برابری، عدالت و عدم خشونت می‌باشد. متفکران و نواندیشان دینی معتقدند که اسلام دارای تمرکز ویژه در مورد حقوق کودکان است که باید به جامعه مدنی معرفی گردد و اگر مردم بدانند که حقوق کودکان در قوانین اسلام ذکر شده، بسیاری از مشکلات حل خواهد شد (داد، ۲۰۱۱: ۴). در واقع اینها برای اثبات دیدگاه خویش نه تنها از نص قرآن و روایات استفاده کرده‌اند، بلکه دیدگاه فقهای سنتی را هم در مواردی به چالش کشیده‌اند. دلایل آنان بدین شرح است که از نظر اسلام همانگونه که والدین بر اولاد حقوقی دارند، اولاد نیز بر والدین حقوقی دارند که از همه قابل توجه‌تر، ترتیب صحیح اولاد است. در آیات قرآن از ابراز محبت به «مودت» تعبیر شده است (سوره شوری، آیه ۲۳ و سوره روم، آیه ۲۱) یعنی اگر چه دوست داشتن فرزند امری فطری است، اما برای عدم تحریف آن بدان سفارش مؤکدی شده است (وزیری، ۱۳۸۱: ۵۷۱) در سنت ائمه معصومین هم دو دسته از روایت در راستای تربیت صحیح کودک و عدم تنبیه آنها وجود دارد:

یک دسته روایاتی هستند که رحم و مدارا و شفقت به کودکان را امر می‌کند، مانند آنکه پیامبر (ص) در پاسخ به سالی از سوی اصحابش فرمود: «هر کس به کودکان مهربانی نکند و بزرگترها را عزیز نشمارد از ما نیست» (مجلسی، ۱۳۷۴: ۲۸۳/۴۳) و دسته ی دیگر از روایات، روایاتی هستند که تندى و غضب به کودک را منع می‌کنند. مانند: امام کاظم (ع) به مردی که از فرزند خود شکایت می‌کرد، آشکارا فرمود، فرزندت را مزن و برای ادب کردنش از او قهر کن ولی مواظب باش، قهر کردن طولانی نشود، بلکه هر چه زودتر آشتی کن (مجلسی، ۱۳۷۴: ۱۰۴/۹۹). بنابراین در اسلام به مراقبت خوب فرزندان توسط والدین سفارش شده و نشان دادن شفقت نسبت

به کودکان یکی از ستوده‌ترین اعمال شناخته شده است. در واقع دین اسلام دین رافت و رحمت و هدایت است و بدین جهت نیز پیامبر اسلام همواره بر تربیت صحیح کودکان در محیط خانواده، ایجاد کانون پر محبت در خانه و مهرورزی به کودکان توصیه می‌نمود (شهروری، ۱۳۸۵: ۶۲). خود نیز، در طول زندگی سرشار از سرمشق و الگوی اخلاقی اش، برای تربیت فرزندان و نوه‌های خویش به هیچ عاملی جز عامل مهر و محبت نیازی پیدا نکرد و هیچ رویداد و حادثه‌ای نشان نمی‌دهد که پیامبر مهربان اسلام در تربیت خردسالان به تنبیه بدنی دست زده باشد. (حجتی، ۱۳۸۳: ۳۶) نواندیشان دینی بیان می‌نمایند که قطع نظر از برخی روایات، تنبیه کودک جایز نیست، زیرا خدای متعال انسان را آزاد آفریده و کسی بر دیگری تسلط ندارد، مگر اینکه او اجازه دهد و معتقدند تنبیه و زدن دیگری اذیت و ظلم به اوست و این کار در شرع دیده نمی‌شود، چنانکه حتی برخی روایات آن را حرب با خدا و کیفر می‌دانند. بنابراین اصل، عدم تجویز تنبیه بدنی در دین اسلام است و اگر در مواردی هم برخی از روایات بیانگر امکان تنبیه بدنی کودکان است، باید آن را در ظرف زمان و مکانش در نظر گرفت و تفسیر نمود. چراکه در هر دوره‌ای نحوه برداشت از متون متفاوت بوده‌اند گاهی رکن درونی مانند قرآن و سنت بیشتر مدنظر قرار گرفته و گاهی طبق رکن برونی انجام شده است. در رکن برونی پیش فرض‌هایی به متن برای استنباط آن اضافه می‌شود. چنانچه این پیش فرض‌ها طبق عقل مدرن عوض شود، فهم از متنها هم عوض می‌گردد. هر چند نباید از این نکته غافل بود که متون صامت نیستند و نوعی هرمنوتیک خواننده محور دارند و هر نوع فهم و معرفی را از هر متنی نمی‌توان به دست آورد. اما آنچه مهم است رابطه متن و خواننده است. در واقع پیش فرض‌های خواننده به همراه ساختار متن، فهم از متن را به همراه می‌آورد. هر چند طرفداران دیدگاه سنتی می‌خواهند نقش خواننده و پیش فرض‌ها را در نظر نگیرند و فهم دینی متن محور است. (کدیور، ۱۳۸۸: ۳۷) اما در دیدگاه مدرن، با وجود همان متن، به دلیل تغییر ذهن خواننده نسبت به گذشته و نسبتشان با عقل، تعبیر و برداشت‌های متفاوتی هم از متن صورت می‌گیرد. برای مثال در رابطه با روایت پیامبر مبنی بر اینکه می‌توان کودک را در سن ده سالگی در صورت مشاهده تخلف از انجام واجبات تنبیه کرد، استدلال شده که این روایت باید درست و در موقعیت خاص به کار گرفته شود و ان هم زمانی است که کودکی دچار یک نوع تنبلی و بی‌حرکتی در همه امور باشد و آزادی خودش را در برابر تن آسایی و تنبلی از دست داده باشد، با یک ضربه می‌توان این تن آسایی را از روح آزادی طلب او بلند کرد و وی را به حرکت وا داشت. یعنی این تنبیه به

گونه‌ای است که در راستای آزادی طفل انجام می‌گردد و نوع و شکل تنبیه و مقدمات و موخرات آن حتماً طوری باید باشد که کودک به هنگام تنبیه احساس کند که مشمول لطف است و در غیر این صورت تنبیه نه تنها بیدار کننده نیست بلکه طغیان آور است (حسینی بهشتی، ۱۳۸۰: ۲۷، ۲۸) و اینها نشان دهنده آن است که حتی آموزش مذهبی کودک باید در ظرف محبت ریشه گیرد و با معرفت رشد کند تا به عبودیت برسد (شهریزی، ۱۳۸۵: ۶۲). دین اسلام مخالف تنبیه بدنی کودک جهت آموزش فرایض دینی است، چرا که خشونت‌های بیجا و تحمیل‌های سنگین در آموزش امور دینی و به ویژه نماز را تنها موجب سطحی شدن و بی‌علاقگی فرزندان می‌داند (وزیری، ۱۳۸۱: ۵۸۰). بنابراین تنبیه بدنی اگر آهنگ اجبار داشته باشد، چه بر نماز و چه بر هر چیز دیگر، نمی‌تواند با روح تعالیم اسلام سازگار باشد (حسینی بهشتی، ۱۳۸۰: ۲۸) و اگر چه در برخی روایات، تنبیه بدنی با کیفیت و کمیت‌های خاص و تنها در راستای تربیت و هدایت فی‌الجمله جایز دانسته شده، اما در عین حال فقه اسلامی خشونت علیه کودکان را مذموم دانسته و آن را مضر در تربیت و هدایت فرزند می‌داند و والدین را به مهر و محبت به کودک تشویق و ترغیب می‌نماید (مبلغ، ۱۳۸۸: ۱).

گفتار سوم: عوارض نامطلوب تنبیه بر کودکان و راهکارهای مقابله با آن

به عقیده کارشناسان امور تربیتی، تنبیه بدنی نه تنها باعث ناراحتی جسمی و روحی اطفال می‌شود، بلکه عوارض نامطلوبی نیز برای اجتماع خواهد داشت. لذا برای به حداقل رسانیدن این عوارض، باید به دنبال راهکارها و راهبردهایی بود که منجر به کاهش و نهایتاً حذف تمامی اشکال خشونت علیه کودکان گردد. در این گفتار ضمن اشاره‌ای مختصر به عوارض تنبیه بدنی بر کودکان، راهکارهایی برای مقابله و منع تنبیه بدنی کودکان ارائه خواهد شد.

بند اول: عوارض نامطلوب تنبیه بر کودکان

القای این احساس که کودک در مقابل یک قدرت غیر قابل رقابت، ناتوان است در روحیه او عوارض منفی ایجاد می‌کند (کریمی، ۱۳۷۶: ۴۲). در واقع به نسبت شدت و ضعف تنبیهات، حساسیت‌ها و دگرگونی‌های روانی متفاوتی بر کودک پدیدار می‌گردد که خود را به شکل عصیان، عدم اطاعت از قانون و تمایل به تجاوز نشان می‌دهد (تراتر، ۱۳۵۱: ۱۴). در کل اطاعت و انضباطی که از راه تنبیه حاصل می‌شود، موجب اضمحلال و نابودی حس ابتکار کودک می‌گردد. اینگونه کودکان چون به سن بلوغ و رشد رسند یا از هیچ مقامی اطاعت نمی‌کنند و راه عصیان در

پیش می‌گیرند و یا آن که برای فرمانبرداری آمادگی پیدا می‌کنند (کی‌نیا، ۱۳۷۰: ۶۴۲). علاوه بر این، در مجمع روانشناسان آمریکا نیز، عده‌ای از کارشناسان به این نتیجه رسیدند که ریشه اصلی جنایات و خشونت‌ها در جامعه همین تنبیهات بدنی است (تراتر، ۱۳۵۱: ۱۴). در واقع کودکی که از ترس والدین و مربی خود از کار نامطلوب دست می‌کشد برای فرار از تنبیه بالاتر بدین گونه اقدام می‌کند، در صورتی که اصل واقعی تربیت اقتضا می‌کند که آدمی عمل خلاف را نه از ترس تنبیه، بلکه به صرف خلاف بودن آن، مرتکب نشود و تنها برای اینکه وجدانش از ارتکاب به گناه مبرا باشد، از انجام آن سرباز زند (پدیور، ۱۳۷۰: ۱۶۱). از مجموع تحقیقات و مطالعات پیرامون تاثیر تنبیه بدنی بر کودکان، بر می‌آید که به دلیل عوارض مخرب تنبیه بر کودکان باید هر چه سریع تر تمامی اشکال تنبیه بدنی علیه کودکان مطرود و ممنوع اعلام گردد (حسینی‌زاده، ۱۳۷۷: ۲۳).

بند دوم: راهکارهای مقابله با تنبیه بدنی کودکان

حذف تمامی اشکال تنبیه بدنی کودکان نیازمند ترکیبی از اصلاحات صریح قانون، سیاست‌های حفاظتی و پیشگیری از تنبیه، تغییر در نحوه تفسیر و برداشت از متون مقدس و در درجه اول آموزشی اقداماتی برای تغییر نگرش جوامع در پذیرش خشونت و تنبیهات تحقیرآمیز می‌باشد. بنابراین لغو تنبیه بدنی مستلزم کار فشرده در حداقل چهار حوزه می‌باشد که عبارتند از:

الف: اصلاحات قانونی

لغو تنبیه بدنی مستلزم راه‌اندازی یک چارچوب قانونی است که به وضوح تنبیه بدنی را ممنوع کرده و از کودکان در برابر تمام انواع ضرب و شتم از جمله در محیط خانواده حمایت و حفاظت نماید. تمامی دولت‌ها کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق کودک را پذیرفته‌اند و در برخی این کنوانسیون به شکل بخشی از قوانین داخلی درآمده اما باز هم این برای اطمینان از لغو تنبیه کفایت نمی‌کند. اصلاح قانون نیازمند حذف هر گونه توجیهات موجود و دفاعیاتی است که می‌تواند مانع اجرای مساوی قوانین کیفری مربوط به ضرب و شتم در ضرب و شتم کودکان شود. برای منع صریح و روشن از تنبیه بدنی و سایر رفتارهای بی‌رحمانه باید پیامی روشن به خانواده‌ها و جامعه به عنوان یک کل فرستاده شود که بیان دارد: ضرب و شتم کودکان نسبت به ضرب و شتم هر کس غیرقابل قبول‌تر و غیرقانونی‌تر است اینکه دادگاه‌ها و دیوان‌های عالی به غیرقانونی بودن تنبیه حکم کنند کافی نیست بلکه باید این

ممنوعیت به وضوح در هنگام تدوین و تصویب قوانین، همانگونه که معمولاً کمیته حقوق کودک شرح و توضیح می‌دهد سرلوحه عمل قرار گیرد. گاهی علت مقاومت در برابر ممنوعیت تنبیه بدنی در خانواده‌ها از این باور نشات می‌گیرد که این ممنوعیت منجر به محاکمه و زندانی شدن هزاران نفر از والدین می‌شود و به دلیل وابستگی کودکان به آنها این قطعاً به کودکان کمک نمی‌کند. اما کمیته حقوق کودک به دولت‌ها در این زمینه راهکاری را ارائه می‌دهد مبنی بر اینکه اصل حمایت برابر از کودکان و بزرگسالان در برابر ضرب و شتم به ویژه در درون خانواده بدین معنی نیست که تمام پرونده‌ها و موارد تنبیه بدنی کودکان توسط والدینشان منجر به پیگرد قانونی آنها می‌شود. بلکه این اصل که قانون خود را با مسائل بی‌اهمیت مرتبط و درگیر نمی‌کند در اینجا تضمین می‌کند که همانگونه که ضرب و شتم‌های جزئی میان بزرگسالان در شرایط بسیار استثنائی به دادگاه ارجاع می‌شود در مورد ضرب و شتم‌های جزئی نسبت به کودکان نیز صادق است. مضافاً اینکه دولت‌ها هم باید در این زمینه مکانیسم‌های مؤثر گزارش و ارجاع دهی را به گونه‌ای گسترش دهند که تمام گزارش‌های حاصله از خشونت علیه کودکان به صورت کامل بررسی و حمایت آنها از آسیب‌های جدی به طور اطمینان‌آور تأمین گردد تا هدف متوقف کردن استفاده والدین از تمامی اشکال خشونت به درستی محقق شود. طبق نظر کمیته، دادستان و دیگر مقامات مسئول هنگامی باید اقدام به پیگرد نمایند که هر دو عامل آسیب قابل توجه به کودک و تأمین منافع کودک مبتلا را در نظر گرفته باشند (شورای اروپا، ۲۰۰۷: ۲۰).

ب: اصلاح سیاست‌های دولت

دولت‌ها موظف به ارائه یک پاسخ جامع و چندبخشی به همه اشکال خشونت علیه کودکان می‌باشند. لغو تنبیه بدنی نیازمند توسعه سیاست‌ها و خدماتی است که از خشونت علیه کودکان جلوگیری کند و به طور مؤثر از کودکان قربانی حمایت نماید. در واقع در سیاست حمایت از والدین مثبت مقامات دولتی در ترویج آموزش والدین و حفظ حقوق کودکان نقش حیاتی را بازی می‌کنند. دولت با دادن اطلاعات و مشاوره به والدین در نحوه پرورش کودکان از طریق متولیان آموزش و پرورش و بهبود شرایط اقتصادی جامعه می‌تواند اولیای مثبتی را در رفتار ایجاد کند که نگرش آنها نسبت به کودک اصلاح شده و به دنبال توانمندسازی و پرورش صحیح کودکان هستند و در نتیجه محیط عاری از خشونت را برای کودکان فراهم و به حقوق آنها احترام می‌گذارند (شورای اروپا، ۲۰۰۷: ۲۳). علاوه بر اینها دولت‌ها باید به منظور برآورد شیوع

واقعی خشونت علیه کودکان در خانواده‌ها، با کودکان و والدین مصاحبه نموده و حتی کمیته تحقیق پارلمانی تشکیل دهند و کودکان آسیب‌پذیر نسبت به خشونت خانگی را شناسایی نمایند (جانسن و ونمان^{۱۲}، ۲۰۰۷: ۴۶).

ج: افزایش آگاهی

متأسفانه تنبیه بدنی کودکان در مقایسه با مسائلی چون خشونت جنسی و کار کودکان کمتر مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفته است. مطالعات سازمان ملل متحد بیان می‌دارد که رسانه‌ها نقش محوری را در شکل دادن به نظرات دارند و بر روی هنجارهای اجتماعی که می‌تواند بر روی رفتارها مؤثر باشد تأثیر می‌گذارند. بنابراین رسانه‌ها باید مسئله تنبیه بدنی را به حوزه عمومی وارد کرده و فضا را برای بحث در مورد این مشکل و یافتن راه حل‌ها آماده نمایند. بنابراین بدون بالا بردن سطوح آگاهی‌های عمومی، دستیابی به پیشگیری و ممنوعیت تنبیه بدنی و تغییر در رفتارها در مقیاس وسیع و برای همیشه دشوار خواهد بود (شورای اروپا، ۲۰۰۷: ۲۷).

د: ارائه تفاسیر متفاوت از متون مذهبی

آموزه‌های دینی نقش بسیار مهم و کلیدی در ایجاد نگرش‌ها و اعتقادات والدین و تصویب قوانین بازی می‌کنند. چنانچه در قرون گذشته هم متداول بوده اگر از متون مقدس به گونه تفسیر به عمل آید که جواز تنبیه بدنی را صادر نماید، نه تنها باب سوء استفاده والدین را باز می‌کند بلکه در کشورها به صورت قانونی تجلی می‌یابد و ضرب و شتم کودکان را که عامل خطرناکی جهت ورود صدمات فیزیکی و روانی است ترویج داده و مثبت تلقی می‌کند. این در حالی است که مذاهب ما سرشار از اصولی مانند: محبت، عدالت، لزوم حفظ کرامت و حیثیت ذاتی هر فرد از جمله کودک می‌باشند و در واقع این گروه‌های مذهبی بوده‌اند که با دیده اغماض ارتکاب خشونت علیه کودکان را جایز دانسته‌اند.^{۱۳} آن هم بدین دلیل بوده که در مواردی متون مقدس تصریح به امکان استفاده از تنبیه بدنی نسبت به کودکان دارد. لذا آنچه می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد روش و نوع تفسیری است که از این متون به عمل می‌آید. باید دانست این نقش را در هر مذهبی چه کسی و چه گروه مذهبی ایفا می‌کند. در مذهب اسلام هر فقیهی ظرف زمان و مکان خود می‌باشد و نوع برداشت آنها از متون نقش اساسی را ایفا کرده است. اگر در گذشته بیشتر از نص قرآن و سنت استفاده می‌شده، امروزه در روش برونی یعنی استفاده از پیش فرض‌های مقدماتی برای استنباط

متون مقدس با تغییر این پیش فرض‌ها و همگام نمودن آن با ارزش‌های جدید می‌توان تفاسیر متفاوتی را ارائه نمود و با در نظر گرفتن تاریخت و عدم تاریخت احکام به برخی تناقضات پاسخ داد. به گونه‌ای که احکام را با توجه به تاریخ در نظر گرفت و از هر حدیثی که تنها مربوطه به زمان خاصی بوده صرف نظر نمود و زمینه را برای پذیرش تعاریف روز آمد از مبانی اسلام فراهم آورد.

نتیجه

تنبیه بدنی یکی از روش‌های تربیت و تأدیب کودکان است که مجموعه عواملی مانند نهادینه بودن خشونت در خانواده‌ها و باز تولید آن در نسل‌های بعدی، فقر و از دست دادن الگوهای فرهنگی ارتباط و نظارت و پذیرش تنبیه بدنی به عنوان یک هنجار عرفی و قانونی موجبات استفاده و رواج آن را فراهم آورده است. مضافاً آنکه تفسیر آموزه‌های دینی به گونه‌ای که جواز تنبیه بدنی کودک را صادر نماید، عامل مهم دیگری در این زمینه است. با توجه به عوارض مخرب تنبیه بر کودک و اجتماع باید هر چه سریع‌تر تمامی اشکال تنبیه بدنی علیه کودکان لغو و ممنوع اعلام گردد. علاوه بر منع صریح در قوانین کیفری و مدنی، ایجاد بینش غیرقانونی بودن تمامی اشکال تنبیه بدنی در خانواده‌ها ضروری است. دولت موظف است با پیگیری سیاست‌های همه جانبه در خصوص ارائه اطلاعات به خانواده‌ها و پرورش والدین مثبت در رفتار سبب تغییر نگرش خانواده‌ها نسبت به کودکان شده و در نتیجه محیط غیرخشونت‌آمیزی برای کودکان فراهم نماید. در این راستا نیز نقش رسانه‌های گروهی در افزایش سطح آگاهی‌های عمومی و تغییر در رفتارها را نباید نادیده گرفت و با توجه به نقش کلیدی آموزه‌های دینی با تفاسیری متفاوت از متون مذهبی همانگونه که نواندیشان دینی اقدام نموده‌اند، با ترویج باورها و اعتقادات مثبت از ارتکاب خشونت علیه کودکان تا حد ممکن جلوگیری نمود.

یادداشت‌ها

1. Punishment
2. Agarval
3. Corporal Punishment
4. Nilsson
5. Dawes
6. Clacherty
7. Dodd
8. A Multi-Religious Commitment to Confront Violence against Children.
(Adopted at the Religions for Peace VIII World Assembly in Kyoto, Japan, on 28 August 2006).
9. Coventry Charter for Children and Non-violence.
10. <http://www.rapcan.org.za/cp-docs/corporal-punishment-fact-sheets.pdf>.
11. <http://smu.edu/psychology/html/images/DoddWorking.pdf>.
12. Johnsson & Veneman
13. A Multi-Religious Commitment to Confront Violence against Children,
Article 19, December 2007, Volume 3, Number 3, p9.

منابع

- افشاری، علی، بررسی نقش و جایگاه تنبیه و تنبیه بدنی در آموزش و پرورش، مجله پیوند، خرداد ۱۳۸۵، ش ۳۲۰.
- در طالعی، نرگس، یادداشت و تنبیه در نظام تربیتی کودک و نوجوان، مجله رشد معلم، اسفند ۱۳۷۹، دوره نوزدهم، ش ۱۵۶.
- پدیور، علی، تربیت و تندرستی، نشر آسیا، ج ۴.
- تراتر، رابرت، اثرات نامطلوب تنبیه بدنی، ترجمه: معینان، امید، مجله مکتب مام، اسفند ۱۳۵۱، ش ۴۰.
- حبیب‌زاده، محمدجعفر و مقدسی روئین، محمدباقر، درآمدی بر حمایت کیفری از اطفال بزده دیده در حقوق ایران با نگاهی به اسناد بین‌المللی، مجله نامه مفید، شهریور ۱۳۸۵، ش ۵۵.
- حجتی، محمد باقر، شرایط و کارآیی تنبیه در تربیت کودک و نوجوان، مجله حوزه و دانشگاه، پاییز ۱۳۸۳، ش ۴۰.
- حرعاملی، شیخ محمدبن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۸، قم، موسسه آل‌البیت، ۱۴۱۴ ه.ق.
- حسینی، جواد، بررسی تحلیلی تنبیه از منظر روانی، فقهی و روانشناسی، مجله معرفت، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۹، ش ۳۳.
- حسینی بهشتی، محمد، نقش آزادی در تربیت کودکان، بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های آیت‌الله شهید دکتر بهشتی، ج ۲، ۱۳۸۱.
- حسینی زاده، تنبیه از دیدگاه اسلامی، مجله حوزه و دانشگاه، بهار و تابستان ۱۳۷۷، ش ۱۴ و ۱۵.
- شهریزی، فرحناز، آموزه‌های پیامبر اسلام (ص)، کیهان فرهنگی، اسفند ۱۳۸۵، ش ۲۴۵.
- عباچی، مریم، کودک آزاری، خبرنامه انجمن ایرانی حقوق جزا، بهار و تابستان ۱۳۸۵، ش ۴.
- عبدالغنی، عارف، نظم‌التعلیم عندالمسلمین، دمشق، دارالکتعان، ۱۴۱۴ ه.ق.
- کدیور، محسن، حق الناس (اسلام و حقوق بشر)، انتشارات کویر، ج ۴، ۱۳۸۸.

- کریمی، عبدالعظیم، هزار و یک نکته نهفته در تربیت فرزندان، مجله پیوند، تیر ۱۳۷۶، ش ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵.
- کی‌نیا، مهدی، مبانی جرم‌شناسی، ج ۲، نشر دانشگاه تهران، چ ۳، ۱۳۷۰.
- متقی هندی، حسام‌الدین، کنز العمال، ج ۱۶، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۵ ه.ق.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعة لدرر الاخبار الاثمه الاطهار، ج ۴۳ و ۱۰۴، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی، انتشارات امیرکبیر، بی تا.
- وزیری، مجید، نگاهی به وظایف تربیتی پدر در برابر کودک از دیدگاه اسلام، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، زمستان ۱۳۸۱.
- چنارانی، محمدعلی، آیا پیامبر کودکان را تنبیه می‌کرد؟ ۱۳۹۰/۴/۸، رویت شود در سایت:
www.tebyan.net/index.aspx?pid=167947
- مبلغ، محمدعلی، تنبیه کودک توسط والدین از منظر حقوق اسلام، رویت شود در سایت:
www.sadeghinili.com/fa/maghalat/?id=1908
- Amulti religious commitment to confront violence Against children*, Article19, December 2007, volume 3, number 3.
- Agraval, Prema: spare the rod, plan India, November2007.
- Corporal and Humiliating punishment of children in south Africa*, it is available on internet: <http://www.rapcan.Org.za/cp-docs/corporal-punishment-fact-sheets.pdf>
- Council of Europe, *Abolishing corporal punishment of children*, Council of Europe Publishing, December 2007.
- Clacherty G, Donald D & Clacherty A: South African Children's Experiences of Corporal Punishment Pretoria, Save the Children Sweden, may2005.
- Dawes A ,De sas kropiwnicki C, kafaar Z& Richter L , corporal punishment of children: A south african national sarvey, save the children Sweden,july 2005.
- Dodd, Chris: Ending corporal punishment of children, A handbook for working with and within religious communities, save the children Sweden,2011
- Dodd, chris: *The importance of working with religious leaders to end corporal punishment of children*,it is available on internet:
<http://smu.edu/psychology/html/images/DoddWorking.pdf>
- johnsson A&Veneman A: *Eliminating violence against children*, unicef, 2007.
- Nilsson, mail: *Hitting people is wrong and children are people too, save the children* Sweden,2003.